درآمدى بر جايگاه مبانى و عوامل مؤثر بر نوآورى در تربيت دينى

 سيده‌نجمه تقوى‌نسب1

سيدابراهيم ميرشاه جعفرى2

چكيده

در كشور ما ضرورت تربيت دينى به عنوان وظيفه مهم و اصلى آموزش و پرورش مورد پذيرش است. بنابراين، بايد تلاش نمود تا به شيوه‌ها و روش‌هاى موجود در اين فرايند كيفيت بخشيد و آن را بهتر و زيباتر به نسل جوان ارائه داد. نوآورى در تربيت دينى از جمله امورى است كه اين مسير را هموار مى‌سازد. اين مقاله با روش مطالعه موردى و با استناد به منابع روايى معتبر و دست اول تلاش مى‌كند تا با استفاده از احاديث و آيات قرآن كريم، به تطبيق عواملى كه در تربيت دينى و نوآورى مؤثر هستد، بپردازد. نتيجه اين پژوهش، اشتراك مؤلفه‌هاى نوآورى و تربيت دينى را در بعد فكرى و خصوصيات شخصيتى مورد تأكيد قرار داده و ثابت مى‌كند كه مبناى فكرى نوآورى و تربيت دينى با هم همخوانى و تطابق دارند.

كليدواژه‌ها : نوآورى، تربيت دينى، تقواى حضور، ترديد منطقى، عقلانيت، خطرپذيرى.

مقدّمه

«نوآورى» از نظر اسلام واژه بيگانه‌اى نيست و در تعاليم دينى از جايگاه مثبت و پسنديده‌اى برخوردار است. دين با فطرت انسان‌ها هماهنگ است؛ زيرا استعدادهاى فطرى به وسيله دين شكوفا مى‌شوند. از سوى ديگر، نوآورى‌ها و دست به آفرينش و تغييرات مثبت زدن نيز امرى فطرى و مورد قبول ذات بشرى است. در اين ميان، اسلام دينى است كه خود مشوّق نوآورى و خلّاقيت است. قرآن كريم خداوند را نوگرا در آفرينش طبيعت و انسان مى‌داند و يكى از اسماى الهى را بديع و فاطر بودن خدا ذكر مى‌كند : مبدع و خلّاق آسمان‌ها و زمين خداست.3 قرآن به شكل غيرمستقيم زمينه‌هايى را كه موجب خلق نوآورى مى‌شوند، مورد تأكيد قرار مى‌دهد. براى نمونه، در آموزه‌هاى قرآن بر تنوّع و گوناگونى تأكيد زيادى شده است: «ما در اين قرآن دلايل و مثل‌هاى مكرّر و متنوع ذكر كرديم تا ايشان متذكر گردند.»4 و يا مى فرمايد: «همانا شما را گوناگون آفريديم.»5 تنوع و يكنواخت نبودن روش‌هاى تربيتى قرآن را مى‌توان نمادى ديگر از اهميت نوآورى محسوب كرد. قرآن نوآورى در روش‌هاى تربيتى دين را به صورت عملى نشان مى‌دهد، استفاده از تمثيلات، داستان‌سرايى، سؤال و پرسش، فصاحت و شيوايى كلام، ارائه الگوهاى دينى و تربيتى نشان از توجه قرآن به اكتفا نكردن به يك شيوه خاص در ارائه دين و تنوع شيوه‌هاى تربيتى آن مى‌باشد. همچنين قرآن كريم مبانى فكرى و عوامل شخصيتى را كه لازمه داشتن افكار جديد و نوآورانه است، به پيروان خود ارائه داده است. اين دستورات در سيره كلامى و رفتارى معصومان: نيز فراوان ديده مى‌شود. در ارتباط با پيشينه اين تحقيق در زمينه عوامل شخصيتى مؤثر در نوآورى مى‌توان به پژوهش‌هاى زير اشاره كرد : هارينگتون (1990) در تحقيقات خود بيان كرده است كه بين انگيزه‌هاى شخصى و نوآورى يك رابطه قوى وجود دارد.6 آمابيل و همكاران (1998) از يافته‌هاى تحقيقات خود نتيجه گرفته‌اند عوامل شخصيتى به عنوان مركز كنترل درونى با نوآورى مرتبط هستند و به طور مستقيم با نوآورى‌ها در ارتباطند. اين عوامل داورى مستقل، خطر ريسك كردن و خودكنترلى در شرايط متفاوت مى‌باشند. اين خصوصيات نسبت به عوامل محيطى و بيرونى نيز به سختى تغيير مى‌كنند.7 استرنبرگ (1998) در پژوهش‌هاى خود در ارتباط با خلّاقيت و نوآورى بر پنج صفت افراد نوآور كه در شخصيت افراد ريشه دارد، تأكيد مى‌كند. اين صفات عبارتند از: تحمل ابهام، پشتكار و مداومت، اراده، خطرپذيرى و ريسك و استقلال فردى.8 بلند فورد (2005) در پژوهشى درباره ايجاد تغييرات مطلوب از طريق تقويت ويژگى‌هاى شخصيتى، نشان داد كه تقويت قابليت‌هاى شخصى مى‌تواند نوآورى و افزايش كارايى به همراه داشته باشد.9

 تطبيق مبانى علمى نوآورى با آموزه‌هاى دين اسلام سبب مى‌شود تا با شيوه نوين به نوآورى در تربيت دينى نگريسته شود. همچنين تبيين اين موضوع سبب تقويت پايه‌هاى نظرى نوآورى در تربيت دينى مى‌گردد. در اين راستا، اين پژوهش با هدف شناخت رابطه بين نوآورى و تربيت دينى تدوين گرديده است. براى نهادينه شدن نوآورى در تربيت دينى در سطح جامعه و توجه كاربردى‌تر به اين فرايند، لازم است كه با جنبه‌هاى نظرى و نوآورى و تربيت دينى بيشتر آشنا گرديد. از اين‌رو، در راستاى رسيدن به اين امر مهم، اين مقاله در تلاش است تا وجوه مشترك بين مؤلفه‌هاى تربيت دينى و نوآورى را شناسايى نمايد. هدف اين پژوهش پاسخ به اين سؤال اصلى است كه تا چه حد ويژگى‌هاى افراد نوآور با ويژگى‌هاى مورد تأكيد متربيان تربيت اسلامى منطبق است؟ به عبارت ديگر، وجوه مشترك تفكر نوآورانه با مبانى فكرى از منظر اسلام چه صفاتى است؟ پيش از اين، لازم است كه به سؤالات فرعى زير پاسخ داده شود: الف) نوآورى و تربيت دينى چيست؟ ب) چه مؤلفه‌هايى مبانى فكرى مؤثر در نوآورى را تشكيل مى‌دهند؟

مبانى نوآورى و تربيت دينى

نوآورى اتخاذ ايده‌هاى جديد و تبديل آنها به خدمات و روش‌هاى تازه است كه با خود تغييرات مفيدى را به همراه مى‌آورند.10 همچنين نوآورى به شكل انتخاب و استفاده بديع و تازه از منابع انسانى و مادى و خلق روش‌هاى تازه‌اى كه اهداف موردنظر را در سطح بهترى به تحقق برساند، تعريف شده است.11 در واقع، نوآورى نحراف پيدا كردن از الگوهاى ذهنى موجود است به نحوى كه در مقايسه با ساخت‌هاى ذهنى حاصل از عادت متفاوت باشد.12 استرنبرگ و كافمن13 و پيتر،14 در پژوهش‌هاى خود به عوامل تأثيرگذار بر نوآورى در سازمان‌ها اشاره كرده‌اند كه اين عوامل عبارتند از : ارتباطات باز ميان سازمان‌ها، ابهام و تعارض، فراگرفتن مهارت‌هاى عقلانى، طرز تفكر انتقادى، پذيرش ريسك و تعهدكارى. در مجموع، با توجه به تعاريف ارائه شده مى‌توان مبانى نوآورى را ابعاد فكرى و فردى، سازمانى و محيطى دانست.

از سوى ديگر، تربيت دينى را مى‌توان فرآيندى دانست كه ضمن آن تلاش مى‌شود تا با بهره‌گيرى از آموزه‌هاى دينى زمينه‌اى فراهم آيد كه متربى در جهت رشد و شكوفايى استعدادهاى فطرى و دينى گام بردارد.15 به عبارت ديگر، تربيت دينى فراهم كردن فرصت‌هاى طبيعى و درون‌ياب است تا افراد خود، با تجربه شخصى و الهام از فطرت خويش بارقه تعالى بخش دين را كشف نمايند.16 مى‌توان مبانى و مؤلفه‌هاى اساسى تربيت دينى را عقلانيت، تقواى حضور و مؤلفه ارزيابى، گزينش و طرد تلقّى نمود. وجود عقلانيت در همه اجزاى تربيت دينى اعم از اعتقادات، اخلاق، عبادات و احكام صادق است. دومين مؤلفه در تربيت دينى، تقواى حضور است كه حاصل آن تحول و التزام درونى است. سومين مؤلفه ارزيابى، گزينش و طرد است. اين ويژگى از مؤلفه نقادى تربيت سرچشمه مى‌گيرد و مستلزم بازشناسى جنبه‌هاى مثبت و منفى پديده‌هاى اين دوران است.17 بنابراين، مى‌توان گفت :

مبانى اصلى تربيت دينى عقلانيت، كنترل درونى يا تقواى حضور و انتخاب صحيح بر اساس ارزيابى و گزينش هستند. اين شاخص‌ها از منبع عقل و تفكر انسان نشأت گرفته و همه ريشه در شخصيت افراد دارند. به عبارت ديگر، مؤلفه‌هايى كه بر تفكر انسان تأثيرگذارند و موجب جهت‌دهى به افكار اشخاص هستند، در تربيت دينى و نوآورى تأثيرگذارند. از اين‌رو، شايسته است با اين عوامل بيشتر آشنا شويم.

جايگاه مؤلفه‌هاى فكرى در تربيت دينى و نوآورى

سازمندكردن و ساختاربندى تفكر، يكى از اساسى‌ترين مبانى نوانديشى و نوآورى در تربيت دينى است. انسان‌ها با فكر و انديشه خود مى‌توانند قالب‌ها و صورت‌بندى‌هاى قديمى را بشكنند و باورهاى جديد، بر پايه آگاهى و دانش خلق كنند. مهارت‌هاى تفكرى در امر نوآورى مهم هستند. به عقيده متخصصان هرچه قدرت تفكر افراد بالاتر باشد، احتمال بروز نوانديشى و نوآورى در ذهن آنها بيشتر مى‌شود.18 از سوى ديگر، افراد و

ديدگاه‌هاى آنان در ارتباط با نوآورى و اجراى طرح‌هاى جديد و بديع مؤثر مى‌باشند. به طور كلى، هر سازمانى از طريق منابع انسانى به اهداف برنامه‌ريزى شده خود مى‌رسد. بنابراين، نگرش افراد، انگيزه‌ها و علايق آنان در تسريع نوآورى‌ها و خلّاقيت‌هاى سازمانى مؤثر است.19

در اين ميان، شخصيت عبارت است از: خصوصياتى كه در يك طرح يا كل وحدت پيدا كرده و شكل گرفته است و سرانجام، اين خصوصيات در رفتار فرد ظاهر مى‌گردد. با اينكه رفتار، فرد را ثابت و غيرقابل پيش‌بينى مى‌سازد، اما در عين حال، شخصيت فرد قابل تغيير و تكامل است. عوامل شخصيتى و فكرى كه در نوآورى افراد تأثيرگذارند را مى‌توان به شرح زير بيان كرد :

الف. تحمل ريسك: براى رسيدن به اين خصوصيت سازمان نوآور بايد افراد را تشويق كند تا بدون ترس از پيامدهاى آن شكست را تجربه كنند و اشتباهات را به عنوان فرصت‌هاى يادگيرى به شمار آورند.

ب. كاهش كنترل بيرونى: در سازمان‌هاى نوآور، مقرّرات و خط‌مشى‌ها و كنترل‌خارجى به حداقل مى‌رسد.

ج. قبول ابهام: اين ويژگى بر عينى و معين بودن تأكيد زياد نمى‌كند؛ چون نوآورى‌ها را محدود مى‌سازد.

د. تحمل تضاد: گوناگونى ديدگاه‌ها در افراد تشويق مى‌شود و توافق بين افراد در اين سازمان‌ها مورد تأكيد زياد نمى‌باشد.20

 به طور كلى، از نظر شخصيتى افراد نوآور بايد اين خصوصيات را داشته باشند: اعتماد به نفس، اراده، شجاعت در ابراز عقيده، ثبات عاطفى، علاقه به پرسش، كنترل نفس، انگيزش، عقلانيت و بصيرت و... . مؤلفه‌هاى مهم در نوآورى در عين حالى كه در پرورش شخصيت فكرى افراد نقش دارند، از جمله عوامل مؤثر و مورد تأكيد در تربيت دينى هم هستند. در اسلام، گرچه به طور مستقيم به نوآورى اشاره نشده است، اما آموزه‌هاى تربيتى بسيارى در اين باب ارائه شده است. اين آموزه‌هاى تربيتى با مبناى فكرى نوآورى مرتبط و منطبق است. در اين قسمت، به بررسى اين موضوع مى‌پردازيم :

1. كنترل درونى، تقواى حضور

افراد نوآور نياز به اعمال نظارت و كنترل از بيرون ندارند، بلكه يك نظام انگيزشى خودكنترلى و درونى را دارا هستند.21 اين خصوصيت با مؤلفه تقواى حضور در تربيت دينى همخوانى دارد. اصولا استقلال دينى چيزى جز همان تقوا، كه موجب كرامت و برترى انسان در نزد خدا مى‌شود نيست. به تعبير امام على (ع) «تقوا مايه اصلى آزادى‌هاست و نه قيد و بند درست كردن براى انسان.»22 تقوا به نوبه خود، منجر به نوعى توانمندى شناختى و معرفتى در انسان مى‌شود؛ معرفتى كه حاصل روشن‌شدگى درونى است و در قرآن تحت عنوان «فرقان» يعنى قدرت تشخيص و تميز بين حق و باطل آمده است.23 تربيت دينى نيز بايد بتواند افراد را به گونه‌اى پرورش دهد كه بدون اعمال كنترل و نظارت از بيرون و در متن جامعه تقوا را پيشه خويش سازند. در اين حالت، ديگر نيازى به تدوين قوانين و قيد و بندهاى مداوم براى كنترل افراد نيست؛ زيرا منبع اين كنترل در درون افراد رشد يافته است. براى تقويت مؤلفه كنترل درونى يا همان تقواى حضور در افراد نياز به نوآورى است. متربيان به واسطه اين ويژگى و با استفاده از قوّه ابتكار و نوآورى در هر موقعيت و شرايطى كه آنها را در بند مى‌گيرد، بهترين راه را انتخاب مى‌كنند و بنا به مقتضيات و موقعيت‌هاى گوناگون همواره به دنبال ايده‌ها و راه‌هاى متنوع و جديدى براى كنترل درونى خويش هستند. اين امر، در جامعه امروزى به دليل رويارويى جوانان با وسايل ارتباطى پرسرعت و گسترده ضرورى است؛ زيرا فراوانى و تنوع در ارتباطات، راه‌كارها و اقدامات متنوعى را نيز طلب مى‌كند. در مجموع، اين‌گونه تربيت در متن خود افراد نوآور را پرورش خواهد داد.

2. قبول ابهام، ترديد منطقى

فرايند نوآورى با عدم اطمينان و ترديد همراه است. تأكيد بسيار بر مشخص بودن، محدوديت مى‌آفريند. بنابراين، پذيرش ابهامات زمينه‌ساز خلق و ايجاد نوآورى‌هاست.24 اين ويژگى در معارف دينى با واژه «ترديد منطقى» همخوانى دارد. از سوى ديگر، از روش‌هاى خاص تربيت دينى، پرورش احساس مبهمى از يك سعادت مجهول و ناشناخته در وجود متربى است تا او خود به مدد درون مايه‌هاى فطرى آن ابهام را كشف و معلوم سازد.25 امام على (ع) در اين زمينه مى‌فرمايند :

«عقل‌هاى خود را به اشتباه متهم كنيد؛ زيرا از اعتماد به آنها در خطا مى‌افتيد»، از نظر مربيان تربيتى از جمله راسل نيز هدف تعليم و تربيت، پرورش انسانى است كه با شك و ترديد، انديشه را از قيد و بند عادات و عقايد تلقينى آزاد سازد و بياموزد كه چگونه در وضع و حالت عدم شك اطمينان زندگى كند.26 شك و ترديد آغازى براى تميز و جدايى نكات مثبت و منفى در تربيت دينى است كه بايد از آن براى رسيدن به آرامش و استقلال فكر استفاده كرد. توجه به اين ويژگى در جهت رسيدن به اهداف تربيت دينى و نوآورى مهم است؛ چراكه اشخاص را به جست‌وجوى راه‌حل‌هاى متنوع جهت برطرف كردن شبهات و ترديدها مى‌كشاند. بدين ترتيب، فعاليت تربيت دينى از حالت منفعل درآمده و به سوى پويايى و شكوفايى سوق مى‌يابد. داشتن تفكر ترديد منطقى موجب مى‌شود افراد براى خلق محيط و تفكر نوآور و تازه به يك موقعيت ثابت و هميشگى اكتفا نكنند و همواره به دنبال خلق آثار بديع‌تر باشند. اين امر، براى مربيان هم صادق است؛ چراكه آنها را هم به درگيرى فكرى با مسائل و موقعيت‌هاى تكرارى مى‌كشاند و به اين جهت در پى كشف شيوه و روش‌هاى جديد مى‌افتند. عدم توجه به ويژگى شك و ابهام منطقى در تربيت دينى، يك آسيب جدى است كه راه را بر ايجاد و خلق هرگونه نوآورى و ابتكار سد مى‌كند و موجب مى‌شود كه افراد براى كشف دليل اين‌گونه باورها گامى برندارند و منفعل‌گونه عمل كنند.

3. تحمل تضاد، انتقادپذيرى

افراد نوآور از برخورد با تناقض‌ها و تفاوت‌ها بيم ندارند.27 آنها داراى ويژگى انعطاف‌پذيرى هستند و

روحيه نقادى دارند. تحمل تضاد و انتقادپذيرى از اهداف مهم تربيت دينى مى‌باشد. اين فرآيند به دنبال فراهم كردن يك محيط مساعد است كه در آن افكار و عقايد مختلف مورد بحث قرار گيرند، سپس ارزيابى و انتخاب شوند، بدين‌ترتيب ديگر كسى كوركورانه از نظريات موجود تقليد و پيروى نمى‌كند. قرآن در اين رابطه مى‌فرمايد : «بندگان من را بشارت ده آنان كه مى‌شنوند سخنان را پس از بهترين آنها اطاعت مى‌كنند، آنان صاحبان انديشه‌اند.»28 در اينجا، خداوند بيان مى‌دارد كه بندگان

من، همه سخنان را خوب گوش مى‌دهند و به دقت دريافت مى‌كنند، سپس تجزيه و تحليل كرده و خوب و بد را سنجيده و بهترين آن را انتخاب و پيروى مى‌نمايند. از امام على (ع) نيز در اين‌باره احاديث فراوانى نقل شده است. از جمله آن حضرت مى‌فرمايد: «هر چه را كه مردم مى‌گويند رد نكن كه اين عمل براى اثبات نادانى تو كافى است.»29 يا مى‌فرمايد: «كسى كه با آرا گوناگون روبه‌رو

مى‌شود، نقاط ضعف و خطاى آنها را درك مى‌كند.»30

در جاى ديگر مى‌فرمايند: «كسى كه چهره‌هاى گوناگون آرا را نداند، تيزبينى‌هايى كه براى تدبير امور دارد او را خسته مى‌كند.»31 باز مى‌فرمايند: «هرگز پيش خود انديشه‌هاى بزرگى را كوچك شمار، هرگاه آن را فردى حقير برايت بياورد.»32

 در همه اين روايات تكيه بر گوينده سخن نيست، بلكه كلام را نقد كردن و خوبى‌ها را از بدى‌هاى سخنان جدا نمودن يا به عبارتى نقاد كلام بودن مهم است. اين ويژگى در آموزه‌هاى تربيت دينى جايگاه ويژه‌اى دارد. مؤلفه‌هاى تحمل تضاد آراى گوناگون، انتقادپذيرى سازنده و انعطاف‌پذيرى از خصوصيات مهم در فضاى نوآورى و تربيت دينى مى‌باشد. چنين شيوه تربيتى در ذات خود نوآور است و زمينه را براى استنباط راه‌كارهاى تازه و نو از بين نظرات موافق و مخالف فراهم مى‌سازد.

4. انگيزه، كشش درونى

انگيزه در نوآورى‌ها، به عنوان يك عامل مؤثر محسوب مى‌شود. در اصل، اساس و مبناى هر فعاليتى از جمله نوآورى‌ها انگيزه و علاقه شخصى افراد است. كارهاى نو و تازه هنگامى بروز مى‌كنند كه افراد با علاقه و رضايت اقدام به آن نموده باشند.33 صاحب‌نظران تعليم و تربيت

اهميت فراوانى براى ايجاد انگيزه در دانش‌آموزان قائل هستند و معتقدند كه انگيزه به شدت يادگيرى را تحت تأثير قرار مى‌دهد.34 در اين ميان، يكى از مؤثرترين

راه‌هاى تربيت دينى ايجاد اشتياق و رغبت در ساختارشناختى و عاطفى فراگيران است. به نظر مربيان تربيتى، نمى‌توان كسى را تنها با بيان عقلى و فعاليت به دين‌دارى هدايت نمود، بلكه انگيزش فرد بايد از درون برانگيخته شود كه اين امر بر آزادى و انتخاب درونى فرد دلالت دارد.35 داشتن انگيزه و كشش درونى از خصوصيات افراد نوآور و از جمله ويژگى‌هاى مهم در تربيت دينى است. وجود انگيزه در انسان‌ها راهى به سوى خروج از حالت سكون و انفعال است. آنجا كه امام على (ع) مى‌فرمايد: «فرد عاقل در جست‌وجوى كمال است.»36 جلو رفتن و پويايى از تأثيرات انگيزه‌هاى درونى افراد است و افراد را از حالت يكنواختى و خاموشى بيرون مى‌آورد و در جهت خلق نوآورى‌ها سوق مى‌دهد. در اين ميان، تربيت دينى هم بايد به وسيله نوآورى از شيوه‌هاى متنوع و تازه بهره گيرد تا بتواند انگيزه مخاطبانش را در اين فرايند افزايش دهد.

5. تفكر منطقى، عقلانيت

برخوردارى از تفكر منطقى، بهتر و عميق‌تر انديشيدن و نسبت به مسائل مختلف حساس بودن از ديگر ويژگى‌هاى افراد نوآور است.37 مؤلفه عقلانيت با فراهم

آوردن زمينه تميز و جداسازى ميان منطق موجود در مسائل دينى و خرافات، جنبه‌هاى غيرعقلانى وارد شده در دين، امكان داورى و نقد را براى مربى و آموزنده فراهم مى‌سازد.38 همراه با رشد روزافزون عقلى، نوجوانان و مخاطبان تربيت دينى ديگر به تصورات و مدارك سطحى اكتفا نمى‌كند. بلكه خود خواهان تفسير و تحليل تمامى اصولى هستند كه قرار است اعتقادات خود را بر آن بنا كنند.39 عقلانى نبودن تربيت موجب ايجاد تعصبات ناروا، تبعيت از ظن و گمان، گرايش به اكثريت و شخصيت‌گرايى مى‌گردد. اين صفات در اسلام مذموم شمرده شده و از موانع جدى در راه ايجاد و خلق نوآورى‌ها و ابتكارات تازه محسوب مى‌شود. از اين‌رو، در آيات متعدد قرآنى بر به كارگيرى عقل و انديشه و عمق بخشيدن به آن توصيه شده است: «آيا اگر پدرانتان عقلشان به جايى نمى‌رسيد و چيزى نمى‌فهميدند باز هم شما بايد از آنها پيروى كنيد.»40 بدين صورت اين پيروى ناآگاهانه را ناشى از نداشتن تفكر منطقى مى‌داند. در اين زمينه امام على (ع) مى‌فرمايند: «عاقل كسى است كه عقل وى در مسير رشد و انديشه‌اش در حال افزايش است.»41 نيز مى‌فرمايد: «آل محمّد دين را توأم با عقل و

عمل درك مى‌كردند و تنها به شنيدن و نقل كردن بسنده نمى‌كردند.»42 در نظام تربيتى اسلام، تفكر منطقى موجب رد سنت‌گرايى منفى يا پذيرش اعتقادات و باورهاى نسل‌هاى پيشين و تقليد از نياكان بدون بررسى و تحقيق است. اين امر عامل مهمى در ركود انديشه محسوب مى‌شود. به كارگيرى عقل از عوامل مؤثر در پيدايش نوآورى و شيوه‌هاى بديع و تازه است. اين ويژگى به انسان كمك مى‌كند تا در برخورد با مسائل و موقعيت‌هاى گوناگون زندگى، به دور از پاى‌بندى غيرمعقول به سنت‌هاى ناروا تصميم‌گيرى كند. در جامعه امروزى كه تحولات مختلف اجتماعى و فرهنگى به سرعت در حال شكل‌گيرى است داشتن تفكر منطقى در تربيت دينى به همراه خلق نوآورى‌ها از اهميت خاصى برخوردار است؛ زيرا سبب مى‌شود در اين تبادل فرهنگى بين نسل گذشته و نسل جديد تضاد كمترى به وجود بيايد.

6. تحمل ريسك، شجاعت

تحمل ريسك و خطرپذيرى نيز جزو خصوصيات فكرى نوآوران است. در واقع، احساس تهديد و هراس از موانع نوآورى محسوب مى‌شود.43 افراد نوآور نسبت به خطرها و پيامدهاى آن آگاهند، ولى با اين حال، از يك ريسك خطر متوسط استقبال مى‌كنند.44 در تربيت دينى

روش ابتلا وجود دارد كه براين اساس، مربى بايد متربى را در كام عمل بيفكند تا او خود پستى‌ها و بلندى‌ها را زيرپا بگيرد و با خوشى‌ها و ناخوشى‌ها درآويزد.45 همچنين تربيت دينى معطوف به توليد انديشه مستقل و شهامت نقدورزى از نظر چرايى و چگونگى پديده‌هاست.46

اجراى اين عمل به نوعى به خطرپذيرى و تحمل ريسك نياز دارد. در چنين حالتى، فرد توانايى‌هاى خود را مى‌آزمايد و بدين‌وسيله تلاش مى‌كند تا از حالت منفعل و ايستا بيرون آيد و خود دست به فعاليت بزند و شكست‌ها را تجربه كند. مربى بايد احساس وحشت متربيان را از انجام كارهاى جديد و تازه دور نمايد و به آنها وقت و فرصت كافى داده شود تا بدون ترس از شكست تشويق، آزمايش شوند و از هر تجربه‌اى نتيجه جديدى بياموزند. چنين كارى به ايجاد محيط مساعد نوآورى در تربيت دينى كمك خواهد كرد. ايجاد هرگونه نوآورى و تغيير مفيد و تازه‌اى به نوعى شجاعت نياز دارد. اين شجاعت در هنگام ابراز ايده و فكر جديد در مقابل افكار رايج و قديمى لازم است؛ زيرا منجر به بروز مقاومت‌هايى در برابر نوآورى‌ها مى‌گردد. در تربيت دينى خطرپذيرى و شجاعت در هنگام ابراز عقيده حق در مقابل رأى و نظر باطلى كه رايج شده است، پسنديده و مورد تأييد است.

نتيجه‌گيرى

اسلام دينى است كه در ساختار خودنمادهاى متفاوتى كه حاكى از تأكيد بر فرهنگ نوآورى مى‌باشد، قرار داده است. به همين دليل، يك دين منفعل و غيرپويا و ناآشنا با مفاهيم نوآورى نمى‌باشد. در اين مقاله با تعيين جايگاه مبانى فكرى و تأكيد بر اهميت نقش افراد در خلق نوآورى و تربيت دينى به تطبيق مبناى فكرى نوآورى با اسلام پرداخته شده است ويژگى‌هاى كنترل درونى، پذيرش ابهام، تحمل تضاد، انگيزه، تحمل ريسك، و تفكر منطقى از مؤلفه‌هاى فكرى نوآورى هستند. حاصل اين پژوهش حاكى از تطبيق و همخوانى اين ويژگى‌ها با مبانى فكرى تربيت دينى مانند تقواى حضور، انتقادپذيرى، كشش درونى، شجاعت و عقلانيت است. به واسطه اين نتايج مى‌توان گفت: آزاد كردن عقل از تلقينات محيط، عرف، عادت و به اصطلاح امروزى، از نفوذ سنت‌ها و عادت‌هاى اجتماعى از موكدات قرآن درباره تربيت اسلامى است. توصيه اسلام به داشتن روح علم، روح خالى از جمود و غرور و بى‌تعصبى نيز از جمله صفاتى است كه در اسلام با نوآورى و ويژگى‌هاى آن همخوانى دارد. با دقت در مؤلفه‌هاى قضاوت صحيح، آزادانديشى، تعقل، دورى از تعصب و... در آموزه‌هاى دين اسلام و مقايسه اين خصوصيات با مؤلفه‌هاى تأثيرگذار در نوآورى مى‌توان به رابطه محكم بين اين دو پى برد و از لحاظ دين‌شناختى به اين نتيجه رسيد كه دين اسلام نه تنها با نوآورى مخالف نيست، بلكه با توصيه‌ها و آموزه‌هايش نوآورى را تشويق و تأكيد مى‌كند.

در اين زمينه پيشنهادها و راه‌كارهايى براى تقويت مبناى فكرى مؤثر در تربيت دينى و نوآورى مى‌توانند مفيد باشند :

1. يكى از زمينه‌هاى مناسب نوآورى در تربيت دينى، عدم تحميل شرايط به افراد است. معناى آزادى نبود محدوديت‌ها نيست، بلكه نبود اجبارهاست. بنابراين، مربيان تربيتى بايد در اين زمينه دقت نمايند.

2. آزادى متربى بايد دربردارنده انتخاب او در شكوفايى استعدادهايش باشد. همچنان‌كه هدف تربيت رها ساختن از خود و از بند رسم و عادت است. از اين‌رو، در تربيت دينى بايد به اختيار و اراده افراد به دور از پاى‌بندى به عادات روزمره و تكرارى توجه شود.

3. وجود نوآورى در تربيت دينى يكى از راه‌هاى كاهش اصطكاك بين نسل جديد و نسل قديم است. بنابراين، مى‌تواند راهى مؤثر براى جلوگيرى از گسست نسل‌ها باشد.

4. نوآورى فرآيند تربيت دينى را براى نسل جوان جذاب‌تر و خوشايندتر مى‌سازد؛ زيرا با روحيه نوجويى و زيباطلبى آنان سازگارتر است. بنابراين، بايد از اين اهرم قوى بيش از بيش استفاده نمود.

5. نوآورى به دنبال ايجاد راه‌هايى است كه روح انسان را از گرفتار شدن در قالب‌هاى محدود رها سازد. پس نوآورى در تربيت دينى، يعنى به دنبال راه‌هاى تازه و نو رفتن در ارائه محتوا و رسيدن به اهداف كه توجه به اين امر از وظايف مربيان و دست‌اندركاران تربيتى است.

6. مربيان بايد براى برانگيختن انگيزه‌هاى دانش‌آموزان از رغبت‌هاى طبيعى آنان استفاده كنند تا بدين طريق، زمينه براى نوآورى و خلّاقيت متربيان فراهم گردد.

7. مربيان بايد دانش‌آموزان را تشويق كنند تا بدون ترس و واهمه ايده‌ها و نظرات تازه خود را نمايان سازند و نيز به دور از هرگونه ترس از شكست، تجربيات مفيد و سازنده خود را تكرار نمايند.

9. در فضاى تربيت دينى و نوآورى بايد به انتقادپذيرى و منتقد بودن دانش‌آموزان بيشتر توجه گردد. اين امر بخصوص براى دانش‌آموزان مقاطع تحصيلى بالاتر بسيار حايز اهميت است.

10. در فضاى تربيت دينى بايد به ترديد و ابهامات نوجوانان و جوانان توجه داشت و اين فرآيند را در جهت رسيدن به يقين و اطمينان هدايت نمود.

پى نوشت ها

1 دانشجوى كارشناسى ارشد تاريخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه اصفهان. دريافت: 12/2/88 ـ پذيرش: 28/4/88.

2 دانشيار گروه علوم تربيتى دانشگاه اصفهان.

3 ـ بقره: 117.

4 ـ اسراء: 41.

5 ـ نوح: 14.

6 . T. Harrington, Creativity in contex, p. 120.

7 . M Teresa Amabile, Model of Creativity & Innovationin Organizations, Resarch in Organizational Behavior, v. 10,pp. 123-167.

8 . R. Strenberg, The Nature of Creativity, p. 78.

9 . M. Bland ford, It¨s all about me subtle changethrough personal maystery, Royal Read¨s University, p. 123.

10 . C. f. R. Daft, Organization Theory, p. 45 T. Larson,"Technology Innovation", Journal of ManagementInformation System, n. 2, v. 4. pp. 2-9.

11 . U. Haner, "Spaces for Creativity & Innovation in TwoEstablished Organization", Creativity & Innovationmanagement, v. 14, p. 5.

12 ـ حمزه گنجى، «نوآورى چيست؟»، نوآورى‌هاى آموزشى، ش 1،ص 7.

13 . R. Stermberg & G. Kaufman, "A propulsion model ofCreative Leadership", Creativity & Innovation management,v. 13, p. 13.

14 . S. Peter, Innovation, Creativity & Discovery in ModernOrganization, Personnel Psychology, v. 57, p. 16.

15 ـ طيبه ماهرو زاده، «نقش آموزه‌هاى دينى در كاهش خشونتخانوادگى»، پژوهش‌هاى تربيت اسلامى، ش 2، ص 36.

16 ـ عبدالعظيم كريمى، رويكردى نوين به تربيت دينى، ص 63.

17 ـ خسرو باقرى، نگاهى دوباره به تربيت اسلامى، ص 72ـ80.

18 ـ عبدالرضا كردى، مبانى نوانديشى، نوآورى و خلّاقيت، ص65.

19 . D. Simonton, "Creatiuity", American Psychologist, n. 55,pp. 151-156.

20 ـ كرامت اسمى، بررسى تحليل رابطه نوع ساختار و خلّاقيتسازمانى مدارس متوسطه شيراز، ص 36.

21 ـ محمّدربيع سام‌خانيان، خلّاقيت و نوآورى در سازمانآموزشى، ص 79.

22 ـ نهج‌البلاغه، خ 184.

23 ـ انفال: 29.

24 ـ محمّدربيع سام‌خانيان، خلّاقيت و نوآورى در سازمانآموزشى، ص 85.

25 ـ عبدالعظيم كريمى، رويكردى نمادين به تربيت دينى، ص 139.

26 ـ عبدالعظيم كريمى، تربيت آسيب‌زا، ص 52.

27 ـ على‌اكبر شعارى‌نژاد، روان‌شناسى عمومى، ص 102.

28 ـ زمر: 17ـ18.

29 ـ محمّد محمّدى رى‌شهرى، ميزان‌الحكمه، ترجمه حميدرضاشيخى، ص 2866.

30 ـ همان، ص 6838.

31 ـ همان، ص 6839.

32 ـ عبدالواحدبن محمّد تميمى آمدى، غررالحكم و دررالكلم،ترجمه محمد انصارى، ص 10278.

33 ـ عيسى جمالى، مديريت خلّاق در مدرسه، ص 58.

34 . D. Tammy, A strategic Approach to organizationalLearning, pp. 265-268 A. Ortenblad, The learningorganization: Towards an Integrated model, pp. 129-144.

35 . R. Crouter, On Religion Speeches to its CulturedDespisers, p. 38.

36 ـ محمّد محمّدى رى‌شهرى، ميزان الحكمه، ص 1451.

37 ـ محمّدربيع سام‌خانيان، خلّاقيت و نوآورى در سازمانآموزشى، ص 67.

38 ـ سيدمهدى سجادى، تربيت اخلاقى از منظر پست‌مدرنيسم واسلام، كتاب دوم: تربيت اسلامى ويژه تربيت اخلاقى، ص 45.

39 ـ بهرام محسن‌پور، يك كتاب در يك مقاله: تدريس مؤثرتربيت دينى، تربيت اسلامى، كتاب چهارم ويژه تربيت دينى، ص141.

40 ـ بقره: 170.

41 ـ عبدالواحدبن محمّد تميمى آمدى، غررالحكم و دررالكلم، ص3547.

42 ـ نهج‌البلاغه، خ 239.

43 ـ محمّدربيع سام‌خانيان، خلّاقيت و نوآورى در سازمانآموزشى، ص 118.

44 . C. Robinson, "Buillding Creativity & Risk Taking inyour Organization", Jornal for Quality & participation, v.38, p. 66.

45 ـ خسرو باقرى، نگاهى دوباره به تربيت اسلامى، ص 110.

46 ـ عبدالعظيم كريمى، سازه‌هاى دموكراسى و تربيت، ص 87.

منابع

اسمى، كرامت، بررسى تحليل رابطه نوع ساختار و خلّاقيتسازمانى مدارس متوسطه شيراز، پايان‌نامه كارشناسى ارشد،شيراز، دانشگاه شيراز، 1385.ـ باقرى، خسرو، نگاهى دوباره به تربيت اسلامى، تهران، مدرسه،1383.ـ تميمى آمدى، عبدالواحدبن محمّد، غررالحكم و دررالكلم،ترجمه محمد انصارى، تهران، امام عصر (ع)، 1380.ـ جمالى، عيسى، مديريت خلّاق در مدرسه، تهران، آواى نور،1377.ـ سام‌خانيان، محمّدربيع، خلّاقيت و نوآورى در سازمان آموزشى،تهران، رسانه تخصصى، 1384.ـ سجادى، سيدمهدى، تربيت اخلاقى از منظر پست‌مدرنيسم واسلام، كتاب دوم تربيت اسلامى ويژه تربيت اخلاقى، قم، مركزمطالعات تربيت اسلامى، 1379.ـ شعارى‌نژاد، على‌اكبر، روان‌شناسى عمومى، تهران، طوس، 1370.ـ كردى، عبدالرضا، مبانى نوانديشى، نوآورى و خلّاقيت، تهران،دفتر آموزش عمومى وزارت آموزش، 1379.ـ كريمى، عبدالعظيم، تربيت آسيب‌زا، تهران، انجمن اوليا و مربيان،1375.ـ كريمى، عبدالعظيم، رويكردى نوين به تربيت دينى، تهران،قديان، 1374.ـ كريمى، عبدالعظيم، سازه‌هاى دموكراسى و تربيت، تهران،پژوهشكده تعليم و تربيت، 1380.ـ گنجى، حمزه، «نوآورى چيست؟»، نوآورى‌هاى آموزشى، ش 1(1381)، ص 7ـ10.ـ ماهروزاده، طيبه، «نقش آموزه‌هاى دينى در كاهش خشونتخانوادگى»، پژوهش‌هاى تربيت اسلامى، ش 2 (1385)، ص35ـ64.ـ محسن‌پور، بهرام، يك كتاب در يك مقاله: تدريس مؤثر تربيتدينى، تربيت اسلامى، كتاب چهارم ويژه تربيت دينى، تهران،مركز مطالعات اسلامى، 1379.ـ محمّدى رى‌شهرى، محمّد، ميزان الحكمه، ترجمه حميدرضاشيخى، قم، دارالحديث، 1379.- Amabile, Teresa, M., Model of Creativity & Innovationin Organizations, Resarch in Organizational Behavior, v. 10(1998), pp. 123-167.- Bland ford, Roy, "It¨s all about me subtle changethrough personal maystery, Royal Read¨s University, 2005.- Daft, R, Organization Theory, London, West PublishingCompany, 1992.- Haner, U, "Spaces for Creativity & Innovation in TwoEstablished Organization", Creativity & Innovationmanagement, v. 14 (2005).- Harrington, T., Creativity in Context, Boulder, West viewPress, 1996.- Larson, T, "Technology Innovation", Journal ofManagement Information System, n. 2, v4 (1993), pp. 2-9.- Ortenblad, A., "The learning organization: Towards anIntegrated model", The learning organization, N. 11 (2004),pp. 129-144.- Peter, S., Innovation , Creativity & Discovery in ModernOrganization, Personnel psychology, v. 57 (2004).- Robinson, C., "Buillding Creativity & Risk Taking inyour Organization", Jornal for Quality & Participation, v. 38(2007).- Simonton, D., "Creatituity", American Psychology, N. 55(2000), pp. 151-156.- Stermberg, R. & G. Kaufman, "A propulsion model ofCreative Leadership". Creativity & Innovation management.v. 13 (2005).- Strenberg, R., The Nature of Creativity, CombridgeUniversity, Press, New York, 1998.- Tammy, D., "A strategic Approach to organizationalLearning", Industrial & commericial learning, N. 36 (2004).pp. 265-268.